

## به مناسبت روز بزرگداشت

# سعدی

## از او می‌خوانیم

ابومحمد مشرف‌الدین  
مصلح بن عبدالله که  
به اعتقاد بسیاری  
از پژوهشگران در سال

دکتر آرش شفاعی

شاعر و نویسنده



۶۰۶ هجری قمری در شیراز متولد شد، فرزند خانواده‌ای اهل دانش و دین بود. او بعدها به سبب تقرب به دربار اتابک سعد زنگی، تخلص سعدی را برای خود انتخاب کرد؛ در جوانی به بغداد رفت که پایتخت سیاسی و فرهنگی زمانه بود و در مهم‌ترین دانشگاه آن دوران یعنی نظامیه این شهر به تحصیل پرداخت.

ابن جوزی دوم و شهاب‌الدین عمر سهروردی در این دانشگاه، استادان سعدی بودند و او در این دانشگاه مشهور، علوم زمانه را براساس دیدگاه اشعریون آموخت.

او پس از گشت و گذاری طولانی در چهارگوشه جهان وقتی به سرزمین مادری اش شیراز برگشت، با استفاده از آرامشی که در نتیجه زمامداری اتابکان در فارس ایجاد شده بود، تصمیم گرفت به نگارش تجربیاتش از سفرهای دور و دراز و جهانگردی چند ساله‌اش برآید و نتیجه این تصمیم نگارش دو کتاب بوستان و گلستان بود که اولی به نظم و دومی به نثر نوشته شد.

سعدی در نگارش این دو کتاب تنها تصمیم به خلق آثار ادبی زیبا نداشته است، گرچه این دو کتاب از شاهکارهای نظم و نثر فارسی در تمام طول تاریخ هستند اما نویسنده قصد داشته، دانش‌هایی که فرا گرفته و تجربه‌هایی که به چشم دیده را برای ارائه درس‌های زندگی به مخاطبانش ارائه کند.

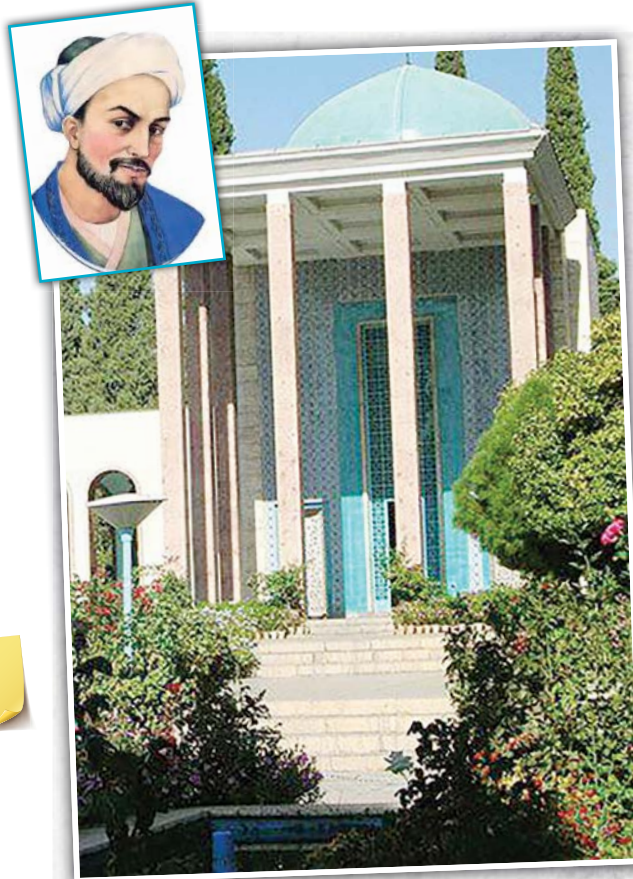
سعدی در این دو کتاب، علاوه بر این‌که ادیبی بی‌نظیر است و در قراردادن هر کلمه در شعر و نثر، سختگیری و وسواسی هنرمندانه دارد، سعی دارد خوانندگان کنایش را راهنمایی کند و به آنان بگوید راه و رسم زندگی و سعادت چیست. به فصل‌بندی‌های کتاب‌هایش اگر دقت کنید، می‌بینید او درباره اهمیت رفتار با سالمندان، تأثیر تربیت، آداب صحبت و گفت‌وگو، اهمیت عدالت، رضا، قناعت، شکرگزاری، توبه و... نوشته است. به عبارت دیگر سعدی سعی کرده نقشه راهی برای زندگی سعادتمندانه براساس آموزه‌ها و تفکرات خود ارائه بدهد. البته ممکن است مخاطب امروزی با برخی دیدگاه‌های او که نتیجه تربیت اشعری اوست، مخالفت داشته باشد اما نکته مهم این است؛ سعدی اعتقادات واقعی خود و راه زندگی خوشبختانه را برای مخاطب بیان کرده و مخاطبان می‌توانند این اعتقادات را بسنجند و آنچه را با آن موافقت، برگزینند.

در سال‌های قدیم، دانش‌آموزانی که وارد مکاتب می‌شدند، حتماً گلستان را در برنامه درسی خود مطالعه می‌کردند. این رویه باعث می‌شد که در همان ابتدای مسیر، با بهترین نثرهای

فارسی آشنا شوند و مهارت‌های زبانی و دایره واژگان‌شان گسترش یابد. به این ترتیب، ذوق و سلیقه ادبی‌شان نیز تقویت می‌شد. علاوه بر این، در کنار آموزش‌های ادبی، آنها درس‌های ارزشمند زندگی را نیز می‌آموختند.

فرض کنید دانش‌آموزی در همان سنین کم این جملات را بخواند:

«حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر



بر محل خطر است یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است، هر جا که رود قدر ببیند و در صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی ببیند.»

سخت است پس از جبه تحکم بردن

خوکرده به ناز جور مردم بردن

وقتی افتاد قنای در شام

هر کس از گوشه‌ای فرار قند

روستازادگان دانشمند

به وزیر پادشاه رقتند

پسران وزیر ناقص عقل

به کدایی به روستا رقتند

با این جملات را که در عین کوتاهی، بسیار سلیس و زیبا و در عین حال درس‌آموز است، بخواند و حفظ کند، در تمام عمر خود ارزش کار و زندگی با توانمندی‌های خود و نیز بخشش و بخشایش را می‌داند:

هر که بر زبردستان نبخشاید، به جور زبردستان گرفتار آید

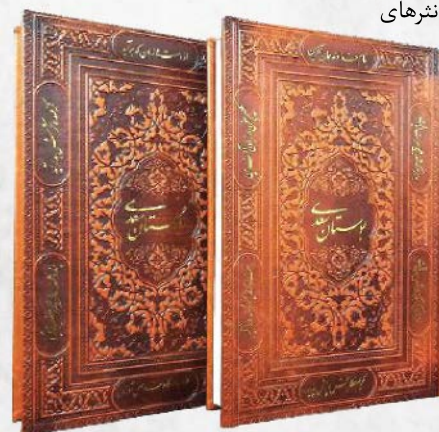
نه هر بازو که در وی قوتی هست

به مردی عاجزان را بشکند دست

ضعیفان را مکن بر دل گزند

که درمانی به جور زورمندی

خانواده‌های امروز هم می‌توانند با تشویق فرزندان‌شان به خواندن گلستان به خصوص با صدای بلند، در ارتقای سواد ادبی و رشد زبانی آنان در کنار تربیت از طریق خواندن نصیحت‌های زیبای سعدی، فرزندان خوش‌سلیقه، خوش‌سخن و البته زیبایی‌شناس تربیت کنند.



کلام امیر

عیار کار خیر  
به میزان بی‌نتی‌آن است

منبع: غرور الحکیم

## رمز موفقیت

### شهید عباس بابایی چه بود؟



رشادت‌ها و دل‌آوری‌های عرصه شهادت فراموش نشدنی است. شاید گذر زمان غبار فراموشی را بر بسیاری از رخداد‌های تاریخی بنشانند اما داستان‌هایی که از ایشان و فداکاری رزمندگان در دفاع مقدس روایت شده، برای همیشه در جریده تاریخ ثبت و هیچ‌گاه از یاد‌ها نخواهد رفت.



شهید عباس بابایی از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که توانست مأموریت‌های مهمی را در سال‌های دفاع مقدس به ثبت برساند. این شهید بزرگوار، رمز موفقیت خود را در دوره خلبانی در کشور آمریکا، توجه داشتن به نماز اول وقت می‌دانست و می‌گفت: «خلبان شدن من عنایت خدا بود. قرار بود بعد از پایان دوره در کشور آمریکا، مصاحبه نهایی را یک ژنرال آمریکایی با من انجام دهد.

تمام تلاش‌های این دو سال، بستگی به همین مصاحبه داشت. وقتی وارد اتاق او شدم، از من پرسش‌هایی کرد و من پاسخ دادم. بعد از چند دقیقه، فردی وارد اتاق شد و ژنرال با او رفت و من باید در اتاق منتظر او می‌ماندم.

به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خودم گفتم، کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم! از طرفی ممکن بود نماز خواندن من در آنجا باعث دردسر شود، ولی با خودم گفتم هرچه بادا باد هیچ کاری مهم‌تر از نماز نیست.

در گوشه‌ای از اتاق روزنامه‌ای پهن کردم و مشغول نماز شدم. در همین لحظه ژنرال وارد اتاق شد، ولی من با توکل بر خدا نماز را ادامه دادم. نماز که تمام شد، از ژنرال عذرخواهی کردم و درباره نماز برای او توضیح دادم. او هم لبخندی زد و پرونده‌ام را امضا کرد و پایان دوره‌ام را تبریک گفت. آن روز موفقیت خود را در توجه کردن به نماز اول وقت، آن هم در شرایط حساسی مثل آنجا دیدم.»

مسیر  
عشق